سرمقاله

پیچیدگی اوضاع جنگ و صلح

محمدرضا هویدا

از یک سو، نیروی جدیدی تحت نام داعش وارد افغانستان شده و سربازگیری کرده و در بخش هایی از کشور به فعالیت آغاز نموده است که وابسته به گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه می باشد. این گروه در بخش هایی از کشور به اقدامات خشن و تروریستی دست زده و عملا بر علیه دولت مبارزه می کند. در عین حال این گروه با طالبان در شماری از ولایات بارها با طالبان جنگیده اند. در عین حال گروه طالبان نیز بعد از مرگ ملامحمد عمر به دو بخش تقسیم شده اند، بخشی با ملا منصور بیعت کرده اند و شماری نیز با یکی دیگر از رهبران طالبان. این گروه ها نیز در مقابل یکدیگر صف آرایی نموده اند. اختلاف میان طالبان و دو دسته شدن طالبان تبعات زیادی در پی دارد. اولین موضوعی که دولت و حامیان آن را نگران ساخته، پروسه صلح است. هر چند پروسه صلح تا کنون دستاوردی نداشته، و جز اتلاف وقت برای افغانستان حاصلی به بار نیاورده است، اما با دو دستگی طالبان، همین اسم و رسمی که از پروسه صلح باقی مانده بود نیز با مخاطره مواجه شده است. حال دولت باید تصمیم بگیرد که با کدام یک از گروه های طالبان گفتگو کند. مطمینا هر گروه، دیگری را رد می کند.

انشعابات میان طالبان زمینه را برای جنگ های بیشتر در ولایات و ولسوالی های ناامن بیشتر می سازد. هر کدام از گروه های طالبان و داعش برای گسترش نفوذ خود به کارهای زیادی ممکن است دست بزنند. این گروه ها از روابط با شبکه های استخباراتی گرفته تا جنگ های شدید علیه یکدیگر را برای از صحنه بیرون کردن رقیب استفاده می کنند. رقابت میان گروه های طالبان و داعش زمینه خشونت های سازمان دهی شده را افزایش می دهد.

مردم افغانستان نیز در خطر بیشتری قرار می گیرند، وضعیتی ناگواری به وجود می آید که مناطق مختلف توسط گروه های مختلف طالبان اداره شوند و همین طور مناطقی نیز توسط داعش. این وضعیت مردم را به زندانیانی تبدیل می کند که نمی دانند توسط چه کسانی در بند کشیده شده اند. دست به دست شدن مناطق نیز خرابی ها و آوارگی های بیشتری را در پی خواهد داشت.

این اختلافات، اصولا، می بایست برای دولت فرصت های نفوذ و ضربه زدن به طالبان را فراهم آورد. اما به نظر نمی رسد که دولت بتواند از این فرصتها به نفع خود استفاده ببرد. نشانه ای دیده نمی شود که دولت اقدامات کوبنده ای علیه طالبان انجام بدهد. گروه های طالبان با خیال راحت، مراسم بیعت برگزار می کنند و راه گیری می کنند و با یکدیگر می جنگند، ولی دولت افغانستان نمی تواند از این وضعیت به نفع خود بهره ای ببرد.

وضعیت دفاعی دولت افغانستان در مقابل گروه های طالبان، در حقیقت زمینه ای شده تا طالبان با گسترش نفوذ خود، بتوانند فرصت دسته دسته شدن و افزایش فعالیت خود را پیدا کنند. داعش و دیگر گروه های خورد و کلان نیز با استفاده از ضعف دولت افغانستان به فعالیت می پردازند. در صورتی که دولت می توانست با قدرت و قاطعیت علیه گروه های مخالف خود وارد عمل شود، بعید بود که این گروه ها بتوانند با خیال راحت به هرچه می خواهند برسند.

عملکرد حامیان دولت افغانستان نیز تامل برانگیز است. اختلافات گروه های طالبان بهترین فرصت برای ضربه زدن با این گروه ها است. آیا دولت های حامی افغانستان آماده اند تا با وارد کردن ضربات کوبنده، طالبان را تضعیف کنند و نگذارند تا هر کدام از گروه های طالبان رشد و قوت یابد؟

اگر دولت ابتکار عمل را به دست بگیرد، و کشورهای دیگر نیز آن را حمایت کنند، فرصت مناسبی برای دولت فراهم شده است.

عدم حاکمیت قانون و خودسری های قضایی

عبدالله هروی

چندی پیش خبرگزاری ها گزارش دادند که یک دختر و یک پسر جوان به اتهام داشتن روابط نامشروع در قریه اَودک غلمین فیروزکوه در ولایت غور توسط طالبان محکمه صحرایی گردیدند. گفته می شود این دخترکه متاهل بوده پس از ازدواج، با پسر دیگری فرار کرده بود و طالبان پسر و دختر را پس از فرار کردن از قریه مرغاب دسنگیر و به قریه اوّدک آورده، دختر را در محضر عام سنگسار کرده و پسر را پس از زدن یک صد دُره رها کردند. در این روی داد، دختر جان سپرده است و جسد وی به خانواده اش تسلیم داده شد. این رخداد واکنش های بسیار شدیدی در سطح کشور از سوی قشرهای مختلف بخصوص نهادهای مدنی و توده مردم روبرو گردیده است. البته شایان ذکر است که رویداد یاد شده نخستین رویداد از نوع خود تاکنون نبوده است. پیش از این نیز محاکمه های خودسر در برخی از ولایات و ولسوالی ها بوقوع پیوسته است. خودسری های که نه تنها حکایت از خودسری دارد بلکه نوعی از نگرانی ها در جامعه موجب شده است.

در ارزیابی چنین وقایعی می توان از زوایای مختلف پرداخت. آنچه در این نوشتار مورد اهتمام می باشد این است که وجود محاکم خودسر و اجرای آن احکام قضایی خوانده می شود از سوی کسانی که نه تنها صلاحیت و شایستگی شان محرز نیست، بلکه عملا و نظرا در مقابل نظام سیاسی و بعنوان عوامل اخلال کننده نظم عمومی جامعه و نقض کننده قانون و حقوق یاد می شوند؛ نشانه عدم حاکمیت قانون و کارانبودن نظام عدلی وقضایی کشور می باشد.

در تشریح موضوع می توان یادآور شد که قوه قضائیه یکی از ارکان اصلی و مهم نظام سیاسی در کشورهای با حاکمیت دموکراتیک به شمار می آید و نقش اصلی را در توسعه حقوق شهروندی و احقاق حقوق فردی و اجتماعی و گسترش عدالت بازی می کند. قوه قضائیه در حفظ توازن قوا و اجرای عدالت اهمیت اساسی دارد و می تواند از صلاحیت ها و اختیارات قضایی خود برای کنترل و نظارت قوای دیگر و چگونگی اجرای عدالت استفاده نماید.

رسیدگی به تظلمات، تجاوزها، شکایت ها و حل و فصل بی طرفانه و منصفانه دعاوی از برجسته ترین وظایفی است که به عهده این ارگان مهم گذاشته شده است. تامین آزادی های فردی، تحقق برابری و تطبیق عدالت در جامعه که از اهداف بزرگ جامعه بشری به حساب می آید، پیوند و نزدیکی شدیدی به ساختار و کارکردهای قوه قضائیه دارد. چنانچه این قوه از قضات و مدیران شایسته، با تجربه، متعهد ، امکان اجرای وظایف قانونی از سوی قوه قضائیه نیز افزایش می یابد. اما متاسفانه قوه قضاییه در کشور به یکی از ضعیف ترین و ناکارآترین ارگان های دولتی تبدیل شده و نقش اساسی خود را در جامعه به کلی از دست‌داده‌است.

به همین سبب عدم اجرای قانون ونبود نظم در کنار سایر مشکلا ت عمدتا تداوم جنگ ونا امنی یکی از چالش های اساسی وفراگیر در برابر پروسه دولت سازی واعمارجامعه مدنی در کشور بشمار می آید . چالش های که متاسفانه کمتر و یا اساسا هرگز مورد توجه دولت مردان و جامعه بین المللی و بویژه کارگزارن قوه قضاییه قرار نگرفته است. نگارنده بدین باور است که قانون شکنی و عبور از خط های تعیین شده توسط قانون در جامعه به یک فرهنگ و رویه بدل شده است. همه از قانون شکنی شکایت دارند اما در عمل همه قانون شکن هستند. بخشی از پیامدهای قانون شکنی همین است که هرکس که زورش بکشد در هرگوشه ای از کشور بر اساس ذوق و سلیقه خود حکم جاری می نماید. حتا ممکن است چند مولوی را نیز برای تحقق منویات خود خریداری نماید و یا بر آنان اجبار نماید. حال پرسش این است که مشکل کار در کجاست؟ چرا قانون ونظم رعایت نمی شود؟ چرا قوه قضاییه کشور و محاکم در اجرای عدالت و قانون این قدر ضعیف و بیچاره هستند؟ و...

واقعیت امر آنست که ریشه یابی این قضیه ریشه دار است و در یک یا دو عامل خلاصه نمی گردد. بلکه مجموعه ای از فاکتور های منفی سیاسی ،اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و روانی سبب گردیده است که حاکمیت قانون و اطاعت از قانون این چنین مورد بی مهری قرار گیرد و محیط برای قانون شکنی ، قانون گریزی ونظم گریزی فراهم گردد. دراینجا بطور خلاصه چند فاکتور را یادآور می شویم:

عامل سیاسی: عدم توانایی دولت در تحقق حاکمیت دولتی درعرصه های سیاسی، اقتصادی و قضا یی سبب گردیده است که نوعی آنارشیسم و بی نظمی و قانون گریزی در جامعه ریشه گرفته و در نهایت بدل به رویه شود. حاکمیت از دید حقوقی به معنی قدرت ما فوق، برتر وانحصاری دولت و به بیان ساده دربعد داخلی عبارت از کنترول موثر دولت بر تمام قلمرو کشور و در بعد خارجی توانائی دولت دردفاع از منافع ملی، دفع و طرد تجاوز وعدم وابستگی به‌قدرت‌دیگراست.

با توجه به اوضاع سیاسی و نظامی در کشور به مشکل می توان گفت که دولت ما متصف به صفت حاکمیت باشد. این بدان معنا است که مسئله قدرت هنوز در کشور عملا و بطور قطعی حل نشده است. اگر از مخالفین مسلح دولت بگذریم، در درون نظام چندین مرکز قدرت وجوددارند. بنابراین بخشی از قانون شکنی ها و قانون گریزی ها و عدم تطبیق عدالت بعد سیاسی دارد که مربوط به عدم حاکمیت و سیطره‌واقعی دولت‌دارد.

نبود میکانیزم کارا برای حراست از قانون ونظم: مو جودیت قانون خوب در جامعه یک امر ضروری است اما کافی نمی باشد. قانون باید اجرا شود در غیرآن حکم یک کاغذ بی ارزش را دارد. همینطور حراست از قانون و کنترول بر اجرای آن بصورت کل وظیفه دولت است. دولت به این منظور ضمانت های اجرایی این قانون میکانیزم های کارآمدی را در اختیار داشته باشد. اما متاسفانه چنین مشاهده می شود که در کشور ظاهرا چنین میکانیزم ها و ضمانت هایی و جود ندارد. به همین دلیل نهادهای حکومتی فاقد کارآمدی لازم بوده و بیشتر آغشته‌به‌فساداند.

در این میان نقش قوه قضائیه بمثابه رکن مستقل دولت در تطبیق قانون بسیار حساس و تعیین کننده می باشد. نقشی که متاسفانه در ساختار کنونی نظام چندان محسوس نیست. به همین خاطر چه دوسیه های که هم چنان بدون اجرا باقی مانده و قضایای که هرگز مورد توجه قرار نگرفته است و چه عدالت خواهی های که هم چنان مسکوت گذاشته شده است!

عامل فرهنگی وروانی: موضوع دیگر که در مسئله تطبیق یا حاکمیت قانون و عدالت نقش عمده دارد عامل فرهنگی و روانی جامعه است. بنا به اظهار کارشناسان و آگاهان امور سطح پایین شعور و فرهنگ بطور عموم و در مورد مسایل حقوقی بطور اخص در جامعه، گریز از قانون و نظام را تشدید و موجه می سازد. به همین دلیل نقض قانون و عدالت و خودسری های که مشاهده می شود ریشه در تاریخ، عادات و رسوم ما دارد که یکی از عوامل دیر پا یی بازدارنده نظم و قانون و تحقق عدالت بشمار می روند. عادت به قانون شکنی وخود سری بخش بزرگ از جامعه را بخود مشغول داشته است. این که کسانی جمع می شوند و با هیجان خاص بر جسد فرخنده لگد زده و سنگ می زنند و جسد بی جان وی را به آتش می کشند یا با بی رحمی بر وجود ضعیف رخشانه سنگ می پراکنند ناشی از نوعی حالت روحی و روانی و وضعیت فرهنگی است که دست زدن به چنین خشونت ها و قا نون گریزی های‌رادرجامعه‌موجه‌جلوه‌می‌دهد.

بنابراین تازمانی که حاکمیت دولتی و سیطره قانون بر سراسر کشور گسترش نیابد، تازمانی که حکومتداری خوب تحقق نیابد، تا هنگامی که قوه قضاییه و دستگاه های عدلی و قضایی از رکود بیرون نشده و خود را متعهد به اجرای عدالت ندانند، و تا زمانی که جامعه از لحاظ فرهنگی و روانی و اجتماعی متحول نگردد متاسفانه باید شاهد چنین رویدادهای تلخ و تکان دهنده باشیم.

چه کسی واقعا پذیرای پناهجویان است؟

نویسنده: حنا جابر/ مترجم: شهباز نخعی/ قسمت سوم و پایانی

همه ساکنان درعا داستان هایی مشابه را برای شما حکایت می کنند. همه آنها به شما خواهند گفت که هیچ یک به میل خود آنجا را ترک نکرده است. آنها به شما خواهند گفت که حتی یک فرد از اهالی الرمتا نیست که پذیرای یک خانواده پناهجو نشده باشد». درواقع، همه اهرم های همبستگی، ازجمله خانوادگی، روستایی، قبیله ای یا اقتصادی در جهشی فعال شد و به بازیافت هایی منجرشد که حتی خود ساکنان رانیز متعجب کرد. کمی مانند این که دوره ای سپری شده - که منطقه حوران با هماهنگی با گالیله شکل می گرفت و گردش آزاد انسان ها هنوز امکان پذیربود - ازنو زاده شده است.

کاروان های اهدایی عربستان سعودی

دولت اردن، با منابع و امکانات کمتراز همتای ترک خود، اما کمی داوطلبانه تر از همسایه لبنانی کوشیده با جریان پناهجویان همراهی کند. درپایان ماه جولای سال ۲۰۱۲، اردوگاه زعتری درشمال کشور ایجاد شد. درآن زمان، اردن روی تجربه های پیشین با فلسطینی ها که درسال های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ رخ داده بود و نیز تجربه کارگران خارجی که درزمان نخستین جنگ خلیج [فارس] ۱۹۹۱ - ۱۹۹۰) ازعراق گریخته بودند حساب می کرد. به اینها باید موج تبعیدی های را افزود که از مراحل مختلف خشونت مذهبی به وجودآمده براثر اشغال عراق درسال ۲۰۰۳ ایجاد شده بود.

خیلی سریع، تنش های بین اردن و تبعیدی های سوریه، و نیز سربرآوردن اعتراض اجتماعی درمیان مردم محلی، مقامات را به این واداشت که به پرونده پناهجویان توجه کنند. مفهوم «اردوگاه» ظاهرشد و موجب ردیف شدن چادرها و کاروان ها شد. به طوررسمی، ۶ اردوگاه وجوددارد که درشهرهای اصلی شمال قراردارند. اما اردوگاه های دیگری نیز، عمدتا درشهرهای مرکز کشور، پیش از برچیده شدن پدیدار شد. درعمل، دولت اردن تنها برای ساختن اردوگاه های زعتری (۲۰۱۲) و ازرق (۲۰۱۳) که به ترتیب برای اسکان ۱۲۰ و ۱۳۰ هزارتن درنظرگرفته شده بود درجستجوی زمین برآمد.

هزینه مالی و عملکرد این تاسیسات ازسال ۲۰۱۲ دومیلیارد دالر برآوردشده که ۹۰ درصد آن از کمک های مشارکت کنندگان خارجی، ازجمله سلطنت های خلیج [فارس] تامین شده است. (مطلب داخل کادر در ادامه مقاله بخوانید).

درعرصه عمل، کمیساریای عالی پناهندگان جنبه اداری و اخیرا توزیع خدمات را با بهره گیری از تخصص «دفتر کمک ها و کارهای سازمان ملل» به عهده دارد. به طور کلی، ارزیابی سازمان ملل این است که هزینه کلی پذیرش پناهجویان سوری درسال ۲۰۱۵ به ۳ میلیارد دالر خواهد رسید. باید دانست که پادشاهی اردن درسال ۲۰۱۴ فقط ۸۵۴ میلیون دالر یعنی ۳۸ درصد از ۲.۳ میلیارد دالر ی که می باید صرف پناهجویان می کرد را دریافت نموده است.

با توجه به این که بیشتر هزینه ها در اردوگاه های ترکیه صرف می شود تا در زیرساخت ها، زعتری و ازرق تدریجا به صورت شهر درمی آیند. کاروان و سپس خانه های پیش ساخته اهدایی عربستان سعودی جایگزین چادرها می شود. درخت کاشته می شود و برخیابان ها نام های زیبایی چون یاسمن، عناب و غیره نهاده می شود. درطول خیابان اصلی اردوگاه زعتری، مغازه ها و کارگاه های گوناگون درکناریکدیگر قرارگرفته است. بسیاری با استفاده از دوچرخه های اهدایی شهر آمستردام درحال رفت و آمد هستند. امارات متحده عربی تامین مالی بخشی از کارهای زیرساختی مانند لوله کشی آب یا ساخت شبکه فاضلاب را تقبل کرده است. به رغم این کوشش ها، دو اردوگاه که دروسط بیابان ساخته شده، چندان مناسب نیست و شمار ساکنان آن از ۱۵۶ هزارتن درماه مارچ ۲۰۱۳ به ۷۹ هزارتن درماه اگست گذشته یعنی یک سوم ظرفیت پذیرش آن کاهش یافته است.

پناهجویان تنها یک هدف دارند: رسیدن به شهرها به ویژه امان و جذب شدن در آنها. منظر شهری و اجتماعی، به ویژه درشمال اردن ازاین امر تاثیر پذیرفته است. سوری ها که به خاطر مهارت در صنعتگری، آشپزی و بازرگانی شهرت دارند، قابلیت های خود را عرضه می کنند. کارگاه های آهنگری و نجاری، رستوران و مغازه های عمده فروشی درهمه جا گشایش می یابد. صنعت ساختمان از تقاضای مسکن ازسوی پناهجویان مرفه بهره می گیرد، درحالی که بازرگانان سوری در منطقه الحسن دربخش هایی چون کشاورزی - غذایی سرمایه گذاری می کنند. در امان، تابلوهای معتبرترین نام های تجاری دمشقی شیرینی پزی مانند بکداش، بستنی سازی ای که درسال ۱۸۸۵ تاسیس شده ظاهرگردیده و بیشتر مشتری های برخی از کافه ها سوری هایی هستند که عادت های خود را کم و بیش دنبال می کنند.

ادعای تهدید برای هویت ملی

با جریان بی وقفه پناهجویان نورسیده، که دانش شهرنشینی شان برای خرده بورژوازی های اردن نمونه و سرمشق بود، به صورت مهمان هایی ناخوانده درآمده اند و سختگیری هایی ازسوی مقامات به چشم می خورد. کنترل های مرزی افزایش یافته و افرادی که غیرقانونی به اردن وارد می شوند، به رغم خطری که دربردارد، ممکن است به مقامات سوری تحویل داده شوند. باید دانست که نه اردن و نه لبنان هیچ یک امضا کننده کنوانسیون ژنو نیستند و ازاین رو خود را متعهد به شرح وظایف و تعهدات آن نمی دانند.

در اردن نیز مانند لبنان و ترکیه، پناهجویان گروگان مسایل سیاست داخلی هستند. بخشی که خود را «مخالفان چپ» خوانده و پیشرو و ضد امپریالیست می داند، پناهجویان را متهم می کند که درعین حال هویت ملی و امنیت اردن را تهدید می کنند. این امر را می توان در روزنامه های نزدیک به رژیم دمشق خواند: «بیشتر پناهجویان سوری دربیرون از کشورخود از طبقات اجتماعی ای هستند که قادر به تطبیق خود با تکثرگرایی و شیوه تمدنی خاص سوریه نیستند . این مخالفان چپ درزمان انتخابات مجلس قانونگذاری و شهرداری ها درسال ۲۰۱۳ به بازی گرفته شدند تا جلوی اعتراضات مردمی و تضعیف اخوان المسلمین گرفته شود. این صداهای بیگانه ستیز مرتبا شنوندگان بیشتری می یابد و همراه با موفقیت های میدانی جهادگرایان بدگمانی ها رشد می کند. دولت نیز ازوضعیت استثنایی ایجادشده دراثر هجوم پناهجویان برای توجیه کندی اصلاحاتی که درسال ۲۰۱۱ درجریان «بهارعرب» وعده داده بود استفاده می کند.

ازنظرگستردگی، سیل مهاجرت سوری ها از مهاجرت فلسطینیان درسال ۱۹۴۸ پیشی گرفته و البته باید درباره تاثیرات سهمگین چنین امواجی ازخود پرسش نمود. مقاومت جوامع میزبان و ظرفیت آنان در جذب وضعیت هایی ازپیش فاجعه بار کاملا قابل ملاحظه است. با این حال، درمیان مدت وضعیت مرزهای ملی، که دراثر سیل پناهندگان و تردد گروه های پیکارجو درهم ریخته، نامطمئن است. درمورد حالت جسورانه و اراده گرایانه ترکیه، این امر درتقابل با فقرفکری و اخلاقی پاسخ های لبنانی و اردنی است درحالی که هردو جامعه همراه با سوریه زادگاه زبانی و فرهنگی مشابهی دارند.

کارتون روز

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
کاریکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V - ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com